

فصل ۱

طلوع و گسترش اسلام

هدف کلی

آشنایی با طلوع و گسترش اسلام

هدفهای آموزشی

انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتوانید:

۱. زمینه‌های ظهور اسلام در زمان حضرت محمد (ص) را بیان کنید.
۲. مبدأ تاریخ اسلام را ذکر کنید.
۳. سیر گسترش اسلام از عربستان تا عرصه‌های بین‌المللی را توضیح دهید.
۴. تأثیر سقوط جاهلیت در تعالیم یکتاپرستی حضرت رسول اکرم را بیان کنید.
۵. تأثیر روش دعوت پیامبر در گرایش مسلمانان به سوی طلب علوم صحیح و حکمت‌های الهی را تحلیل کنید.
۶. نظر ویل دورانت درباره شخصیت حضرت محمد را شرح دهید.
۷. نحوه گسترش اسلام پس از وفات حضرت محمد (ص) را بیان کنید.
۸. تأثیر زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی ایران و روم شرقی را در گسترش اسلام در این کشورها ذکر کنید.
۹. زمان تسلط اسلام در دمشق، انطاکیه، بیت‌المقدس، شام، ایران، مصر و فرانسه را بیان کنید.

طلوع اسلام

اسلام، در آغاز قرن هفتم میلادی، در شبه‌جزیره عربستان واقع در جنوب غربی آسیا، میان اعراب بادیه‌نشین طلوع کرد و به تدریج منطقه وسیعی را، از اقیانوس اطلس تا دریای هند و سواحل مدیترانه تا آفریقا، تحت نفوذ خود درآورد.

پیش از طلوع خورشید اسلام از افق تاریک حجاز، اعراب آن سامان وضع نامطلوبی داشتند. در روابط اجتماعی حاکم بر جامعه، سیستم طبقاتی، براساس استثمار آشکار، استوار بود. نظام اقتصادی و اجتماعی وضع نابسامانی داشت و پر از تضاد و نابرابریهای حاد مالی بود که در یک سوی آن بزرگان و توانگران با سرمایه و زمین، گله‌های بزرگ و بردگان قرار داشتند و در سوی دیگر آن بینوایان و بردگان با دستهای تهی و گرسنه در زنجیرهای بردگی در خدمت فئودالها و اشراف بودند (گوسولت ۲۵۳۵: ۴). این اختلاف طبقاتی روزبه‌روز بیشتر می‌شد و اختلافات قبیله‌ای نیز شدت پیدا می‌کرد، به گونه‌ای که شورای رؤسای قبایل که تنها مرجع حل و فصل اختلافات بود عملاً کاری از پیش نمی‌برد.

در عربستان در آستانه پیدایش اسلام وحدت سیاسی و یگانگی ملی وجود نداشت و از دولت مرکزی نیز، به مفهوم واقعی آن که بر همه مناطق کشور مسلط باشد، خبری نبود. بنیاد سازمان سیاسی شبه‌جزیره عرب مبتنی بود بر استقلال و خودمختاری محلی و عشیرتی. در بادیه‌ها و میان قبایل صحرانشین رؤسای قبایل و عشایر اختیار تام داشتند و اعضای قبایل، بنا به سنتهای حاکم، از تصمیمهای آنان تبعیت می‌کردند (همان). اعراب بدوی خارج از قبیله خود هیچ‌گونه علاقه و رابطه معنوی با احدی از افراد نداشتند و به علت فقدان وسایل مادی، روح جنگجویی که دائماً در اثر آفتاب سوزان بیابان شعله‌ور می‌شد، مسئله غارت و راهزنی را برای ایشان مباح ساخته بود و دست‌درازی و تهاجم به حقوق یکدیگر را نشانه مردانگی می‌شمردند. سالها این نظام شوم بر جامعه حجاز سایه افکنده بود و کسی جرأت خرده‌گیری نداشت. مردم در زندگی اسارت‌بار و نظام ظالمانه اجتماعی و فرهنگ ارتجاعی و فقر به سر می‌بردند. رؤسای عشایر و سران قوم و ثروتمندان هر تصمیمی می‌خواستند می‌گرفتند و هرچه می‌خواستند می‌کردند و توده مردم عرب هیچ‌گونه مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری

۳ طلوع و گسترش اسلام

نداشتند. «شهرهایی چون مکه و یثرب (مدینه) نیز تقریباً وضع بر همین منوال بود.» (همان). آشفتگی سیاسی و ضعف قدرت زعمای عرب در شهر مرکزی، مکه، بر هرج و مرج و بی‌نظمی امور اجتماعی می‌افزود.

اعتقادات و باورهای مردم عاملی نبود که بتواند از فساد معنوی و مادی جلوگیری کند، زیرا عقاید دینی مردم جزیره‌العرب بسیار ساده و آلوده به اوهام و خرافات بود. مذهب اکثریت قاطع بت‌پرستی، ایمان به ارواح و اشباح، ستاره‌پرستی و امثال آن بود. «هر عشیره و قبیله‌ای برای خود بت و خدایی ویژه داشت. به تعبیر دیگر اعراب به تعداد قبیله‌ها، عشیره‌ها و طایفه‌ها بت و خدا داشتند. درکعبه، پرستشگاه قدیمی اعراب در مکه، بالغ بر ۳۰۰ بت وجود داشت که هر یک متعلق به یکی از طوایف عرب بود. از برکت همین پرستشگاه، مکه همواره از رونق تجارت و امنیت برخوردار بود. تولید و سرپرستی این پرستشگاه در دست قبیله قریش بود و آنها بیش از سایر اعراب از مواهب و عواید آن بهره می‌بردند.» (همان: ۹).

اعتقادات و باورهای اعراب فقط به بت‌پرستی و پرستش آفتاب و ماه و کواکب ختم نمی‌شد؛ ادیان دیگر هم نزد اعراب اندکی رواج داشت، از آن جمله آیین زرتشتی، مسیحیت و یهودیت که از خارج به عربستان نفوذ کرده بودند و برای اعراب ادیان بیگانه به‌شمار می‌رفتند. نخستین دین یکتاپرستی بیگانه که در سرزمین اعراب قوام گرفت یهودیت بود. این دین را مهاجران یهودی که از قلمرو امپراتوری روم، به عربستان نقل مکان کردند رواج دادند. دومین دین یکتاپرستی که در عربستان رواج داشت آیین مسیحیت بود. این آیین از طریق سوریه، حیره، که شهری بود در کنار فرات و حبشه به عربستان راه یافت.

گذشته از یهودیان و مسیحیان، گروهی از یکتاپرستان نیز در عربستان پیش از اسلام زندگی می‌کردند که اینان را اصطلاحاً حنفا یا حنیف، پیرو دین ابراهیم، می‌نامیدند. اینان معتقد به توحید و منتظر ظهور پیامبری بودند.

با توجه به آنچه گذشت، در آستانه ظهور اسلام زمینه‌های اجتماعی و مادی و معنوی برای پیدایش آیینی نو آماده بود و ضرورت دگرگونی بنیادی در تمام سطوح زندگی اعراب و ممالک همسایه آنها احساس می‌شد. پیدایش اسلام در ۶۱۰ م و رسالت حضرت محمد (ص) پاسخی بود به این ضرورت دگرگونی (همان: ۱۴).

پیامبر اسلام در حدود سال ۵۷۱ م در قبیله قریش که از طبقه ممتاز جامعه مکه بود متولد شد. او را محمد یعنی ستوده نامیدند (حکمت ۱۳۴۰: ۷). در ۴۰ سالگی رسالت بزرگی را عهده‌دار شد و برای خدمت به بشر برخاست و با عزمی استوار در صراطی مستقیم قدم نهاد و مدت ۲۳ سال عمر خود را وقف آن کرد. نبوغ، شخصیت و نفوذ کلام پیامبر دین اسلام را زودتر از آنچه امید می‌رفت اشاعه داد. اسلام با وجود مخالفتها و دشمنیهای بازرگانان و رباخواران عرب به سرعت گسترش یافت و خیلی زود قلوب مردم جزیره العرب را تسخیر کرد.

برخورد اعراب مسلمان با ملل و تمدنهای دیگر باعث پدید آمدن روح اعتراض نسبت به وضع موجود و حتی نسبت به معتقدات رایج شده بود. اگرچه خدایان متعدد را می‌پرستیدند، خیال معبود واحد هم در آنها وجود داشت و شاید از برکت ترقی همین خیال بود که پیغمبر (ص) تمام آنها را متوجه پرستش خدای یگانه کرد و وحدتی را که در نظر داشت ایجاد فرمود. طبقات محروم جامعه به محض روبه‌رو شدن با دعوت اسلام، که برابری در برابر خدا و قانون برادری میان مسلمین را شعار خود ساخته بود، به این دین گرویدند. کوشش توانگران برای جلوگیری از گسترش دین جدید به جایی نرسید و سرانجام در سیزدهمین سال بعثت با هجرت پیامبر، در سال ۶۲۲ م از مکه به مدینه، مبدأ تاریخ اسلام ثبت شد (وزیری ۱۳۴۰: ۱۸۱). این تاریخ در نزد مسلمانان سرآغاز عصر جدیدی است که در کتاب تاریخ جهان ورقی از نو برگرداند و آن سال را مسلمانان ابتدای تقویم خود قرار داده‌اند (حکمت ۱۳۴۰: ۲۱).

گسترش اسلام

اسلام با شعار «لا اله الا الله» و برادری و برابری مؤمنان نخست اعراب را در جهت یکپارچگی اجتماعی متحد ساخت و پس از آن با همان شعارها به دیگر ملتها پرداخت. دیری نپایید که انقلاب اسلامی با نیرویی بالقوه و توفنده به سراغ ممالک دیگر رفت و آماده بودن شرایط موجب شد که در ظرف چند دهه ایران، کشورهای آسیای میانه، قفقاز و نواحی پیشین بیزانس (روم شرقی) در کرانه‌های شرقی و جنوبی دریای مدیترانه به قلمروی حکومت اسلامی بپیوندند و اسلام آورند. اما از آنجا که اسلام به سرعت جنبه جهانی و بین‌المللی پیدا کرد، نفوذ و تأثیرش به همین مناطق ختم نشد و

۵ طلوع و گسترش اسلام

در اروپا، هند، آسیای شرقی و چین نیز به تدریج پیروزی معنوی به دست آورد (گوسولت ۲۵۳۵: ۱۴). به راستی این نمود تاریخی که از عربستان طلوع کرد و در نتیجه آن اعراب مسلمان به نیمی از حوزه مدیترانه تسلط یافتند و دین اسلام را در آنجا بسط دادند از عجیب ترین حوادث اجتماعی قرون وسطی است. با ظهور اسلام طبقه استثمار شده، که اکثر مردم را تشکیل می داد، چنان جهشی از خود نشان داد که هنوز هم مایه شگفتی مردم جهان است؛ جهشی که در تاریخ کم نظیر است.

با اطمینان می توان گفت اگر مقدمات جامعه طبقاتی جدیدی در عربستان فراهم نمی گشت و اساس جاهلیت اعراب سقوط نمی کرد و یکتاشناسی علیه جاهلیت به وجود نمی آمد، دین محمدی هم به وجود نمی آمد؛ و یا اگر هم به وجود می آمد، عامه از آن چیزی درک نمی کردند و تنها می ماند و فراموش می شد. یعنی اینکه نفوذ ادیان یکتاپرستی زمینه را برای تعالیم یکتاپرستی حضرت رسول اکرم (ص) آماده کرد. به همین منظور در آغاز دعوت چنان که برخی گفته اند، پیامبر اسلام تنها به این بیان اکتفا کردند که خدای بی همتا، خدای ابراهیم، بانی خانه کعبه است که اعراب او را قبول دارند.

دین اسلام که ادامه و اوج یکتاپرستی در آن زمان است نخست بر احکام قرآن مجید، شامل ۱۱۴ سوره که بر حضرت رسول نازل شد، استوار است و سپس بر احادیثی مشتمل است که از اقوال و افعال پیغمبر (ص) روایت شده است. اساس دین اسلام شهادت به وحدانیت خداوند و ایمان به پیامبری حضرت محمد (ص) است. غیر از کتاب مبین و مقدس قرآن، احادیث نبوی نیز برای مسلمین احترام خاصی دارند. تقدیس جهاد از جانب پیامبر اسلام و اعتقاد شدید اعراب به این امر سبب شد که دشمنی میان خود را کنار بگذارند و بلاد دیگر را فتح کنند (وزیری ۱۳۴۰: ۱۸۰). پیامبر اکرم تنها کسی بود که موفق شد مردم سراسر دیار خود را با یکدیگر متحد کند. از آن زمان که حضرت محمد (ص) در مدینه مستقر شد، راه و روش دیگری در پیش گرفت. وی نه تنها رسول خدا بود بلکه حاکم جامعه ای بشری نیز شد. با آنکه بر سریر عزت و اریکه قدرت متمکن شده بود، روشی را که در ایام گمنامی داشت بی هیچ تغییر ادامه داد و به مظاهر این جهان هیچ گونه تظاهر نفرمود، از کاخ و کاخ نشین بیزار بود و در خانه ای گلین زندگی می کرد. «همان گونه که مورخین اسلام نوشته اند، خداوند جهان

کلید ذخایر و گنجهای روی زمین را در کف او نهاد لیکن او از آن همه بی‌نیاز بود.» (حکمت ۱۳۴۰: ۲۱-۲۲) «پیامبر، عالمیان را به عجایب هستی متوجه ساخت و انتظام حیرت‌آور دستگاه هستی را مورد اعجاب و توجه عقل بشری قرار داد و همین نکته باعث شد که اندیشه مسلمانان به سوی طلب علوم صحیح و حکمتهای الهی و طبیعی متوجه گشت؛ و دیرزمانی قبل از آنکه در جهان مسیحیت شاخه علم غرس شود در جهان اسلام آن درخت مبارک بارور شده بود.» (همان: ۱۵).

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن درباره شخصیت حضرت محمد (ص) می‌گوید: «اگر بزرگی را به میزان اثر مرد بزرگ در مردمان بسنجیم، باید بگوییم حضرت محمد (ص) از بزرگ‌ترین بزرگان تاریخ است. وی در صدد بود سطح معنویات و اخلاق قومی را که از گرمای هوا و خشکی صحرا به ظلمات توحش افتاده بودند به اوج برساند؛ و در این زمینه توفیقی یافت که از همه مصلحان دیگر بیشتر بود. وی مقصود خود را از راه دین انجام داد، زیرا به دین اعتقاد داشت. به علاوه، در آن روزگار نیروی دیگری در اعراب مؤثر نبود. از تصورات، ترسها و امیدهایشان کمک گرفت و در حدود فهمشان با آنها سخن گفت. وقتی او دعوت خویش را آغاز کرد، اعراب قبایل بت‌پرستانی بودند که به طور متفرق در عربستان سکونت داشتند؛ ولی هنگام مرگ او ملتی شده بودند. ولی خرافات و تعصبات را محدود کرد و به جای یهودیت، مسیحیت آیین زرتشتی و دین قدیم عربستان دینی پدید آورد ساده، روشن و نیرومند، با معنویاتی که اساس شجاعت و مناعت قومی بود. وی طی یک نسل در یکصد معرکه (هنگامه) پیروز شد و در مدت یک قرن امپراتوری عظیمی به وجود آورد. اینک هم، در روزگار ما، نیروی معتبری است که به یک نیمه جهان نفوذ دارد.» (دورانت ۱۳۷۱: ۲۲۲) «وی رسم زنده به گور کردن دختران را از میان برداشت. زن و مرد را از لحاظ تشریفات قضایی و استقلال مالی برابر کرد... این عادت اعراب جاهلیت را که زن چون اثاث پدر به پسر می‌رسید باطل کرد.» (همان: ۲۳۱)

پس از وفات پیامبر در سال ۶۳۲ میلادی (۲۸ صفر ۱۱ هـ. ق) خلفای راشدین دین مبینی را در قسمت وسیعی از جهان گسترش دادند. از این رو صدسال از زمان وفات پیامبر نگذشت که عربهای نومسلمان به تدریج کشورهای معظم را فتح کردند. آشفتنی اوضاع سیاسی و اقتصادی غالب کشورها و ظلم و جور حکام در این کشورها

۷ طلوع و گسترش اسلام

باعث شد که مردم ناراضی بسیاری از شهرها حتی از قشون مسلمین استقبال کنند و به طیب خاطر دیانت اسلام را پذیرا گردند.» (وزیری ۱۳۴۰: ۱۸۰).

دو کشور بزرگ ایران و روم شرقی که کانونهای قدرت آن زمان بودند بر اثر جنگهای طولانی با یکدیگر و نابسامانی اوضاع اقتصادی و اجتماعی داخلی دچار ضعف و آسیب پذیری فراوان شدند و همین ضعف باعث تشویق اعراب و حمله به تصرفات ایشان شد. اسلام به آسانی و بدون برخورد با موانع جدی در این دو ناحیه بزرگ گسترش یافت. مسلمانان به ترتیب در سال ۱۴ هـ. ق دمشق، در سال ۱۵ هـ. ق انطاکیه و در سال ۱۷ هـ. ق بیت المقدس و در سال ۲۰ هـ. ق همه شام را به تصرف خود درآوردند و پیش از آنکه سال ۲۱ هـ. ق به پایان رسد، ایران و مصر را فتح کردند و در مدت کوتاهی پرچم اسلام از هند تا اقیانوس اطلس و از قفقاز تا خلیج فارس به اهتزاز درآمد.

این فتوحات در دو قرن اول هجری وسعت یافت، به گونه ای که مسلمانان حتی قسمتی از فرانسه را متصرف شدند و حدود متصرفات اسلام از جبل الطارق و از کرانه های مدیترانه تا ریگزار صحرای افریقا امتداد یافت و قسمت اعظم قاره آسیا را در برگرفت. پس از این فتوحات و استقرار اسلام در بسیاری از نقاط دنیای آن روز، مسلمانان با همان شور و شوقی که به تصرف این نواحی همت گماشته بودند به انتظام و اداره آنها پرداختند.

خودآزمایی ۱

۱. زمینه های ظهور اسلام را در زمان حضرت محمد (ص) به طور خلاصه بیان کنید.
۲. مبدأ تاریخ اسلام در ... سال بعثت با هجرت پیامبر در سال ... از مکه به مدینه به عنوان مبدأ تاریخ اسلام ثبت شد.

الف) دوازدهمین - ۵۲۲ م	ب) سیزدهمین - ۶۲۲ م
ج) چهاردهمین - ۶۲۲ م	د) پانزدهمین - ۷۰۲ م

۳. چگونگی گسترش اسلام از عربستان تا عرصه های بین المللی را توضیح دهید.
۴. اگر مقدمات جامعه طبقاتی جدیدی در عربستان فراهم نمی شد و اساس جاهلیت اعراب سقوط نمی کرد، دین محمدی هم به وجود نمی آمد.

۸ هنر و تمدن اسلامی ۱

- الف) صحیح است ب) غلط است
۵. تأثیر روش دعوت پیامبر در گرایش مسلمانان به سوی طلب علوم صحیحه و حکمت‌های الهی را تحلیل کنید.
۶. نظر ویل دورانت را درباره شخصیت حضرت محمد (ص) توضیح دهید.
۷. نحوه گسترش اسلام را پس از وفات حضرت محمد (ص) بیان کنید.
۸. تأثیر زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی ایران و روم شرقی را در گسترش اسلام در این کشورها بیان کنید.
۹. زمان تسلط اسلام در دمشق، انطاکیه، بیت المقدس شام، ایران، مصر و فرانسه را بیان کنید.